



۲۰۱۷/۰۳/۲۸



بهاول ملک

شرح حال عبدالملک عبدالرحيم زى

در آثار نويسندگان

بخش دهم



داود خان دكى جى بى په لمو كى

(داود خان در چنگال ك. ج. ب.)

نويسنده: الكو هارون- ترجمه فارسي از حامد، مطبعه سبا پشاور ۱۳۷۶

صفحه ۲۶ ب.ب.

كودتای ملك خان:

عبدالملك صاحب منصب اردو، رشته اش لوژستیک، فارغ التحصيل تركيه، باشندده لوگر و از لحاظ قومى عبدالرحيم زى بود از همكاران داود بشمار ميرفت. در دوران وزارت دفاع داود، ملك بحيث رئيس لوازم آن وزارت، همكارش بود. صاحب مطالعه و فردى داراى ابتكار بود. طرفدار دسپلين و انضباط نظامى بود.

پس از آن که داود به صدارت رسید، ملک خان را به رتبه دگروالی بحیث وزیر مالیه مقرر کرد.

عبدالملک آمادگی خویش را برای تطبیق طرح انکشافی داود اعلام کرد. مالیه را افزوده، مالیات بر عایدات را وضع کرد. به منظور جمع آوری و پس انداز عایدات، تلاش وسیعی بعمل آورد.

حتی مصارف ارگ و دربار سلطنتی را تحت محاسبه قرار داد. به منظور جلب کمک های کشور های خارجی اولین مسافرت را به ایالات متحده انجام داد.

با عودت ازین سفر، جگرن سید کریم به سردار عبدالولی راپور داد که جنرال خواجه خلیل قوماندان فرقه مربوطه وی قصد دارد برهبری وزیر عبدالملک دست به یک کودتا بزند. خلیل قوماندان فرقه هشت، مشهور به قلعه جنگی بود.

سید کریم و سردار ولی هر دو در همین فرقه ایفاء وظیفه می کردند. فرقه هشت در آن زمان در داخل شهر کابل در نزدیکی ارگ، در منطقه ای قرار داشت که اینک به نام وزیر اکبر خان مینه یاد می شود.

گفته می شود که راپور کودتا، بلافاصله، به صدراعظم که وزیر دفاع ملی نیز بود، سپرده شد. حرکات و سکنات زندگی یومیة افراد مظنون تحت نظارت ریاست ضبط احوالات^۱ قرار داده شد. به سید کریم وظیفه داده شد تا دیگران را مورد تعقیب قرار دهد. تمامی حرکات، رفت و آمد و دید و بازدید وزیر و خلیل تحت تعقیب قرار داشت. در حالیکه اصلاً این ملاقات ها بی ضرر و بی آرایش بود.

در آن زمان پادشاه، اعضاء خانواده اش و مامورین عالیرتبه ملکی و لشکری نماز عید را با هم در مسجد جامع عید گاه برگزار می کردند. بر اساس راپور، عملیات کودتا پس از ادای نماز آغاز می گردید. پادشاه با اعضاء خانواده اش و سائر مامورین عالیرتبه مورد حمله قرار گرفته شده، رژیم جدید اعلام می گردید. این گذارشها برای اثبات اتهام کافی شمرده شدند. روز به اصطلاح کودتا نیز نزدیک شد. لذا، احتیاطاً کودتا باید قبل از اجراء و اقدام، خنثی گردانیده میشد.

به نظر می رسد که طبق معمول اکثر کودتا ها، وزیر عبدالملک خان رهبر و سمبول کودتا و خواجه خلیل بدلیل آنکه قوماندان یک قطعه مقتدر و تقویت شده بود، بحیث رهبر عملیات در نظر گرفته شده بودند. مهدی ظفر متعلم صنف یازدهم لیسه استقلال که در آن زمان در رادیو افغانستان نطق دری بود، موظف به اعلام کودتا قلمداد گردیده بود.

عملیات خنثی سازی کودتا با عجله آغاز گردید. دو هفته قبل از عید اضحی، متهمین به شرکت در کودتا، یکی بعد دیگری دستگیر گردیدند. آنان در شعبه محبوسین سیاسی در توقیف خانه ولایت کابل تحت نظارت شدید و خاصی محبوس شدند.

عبدالملک در وهله اول در منزلش واقع در شیر شاه مینه (کارتۀ چهار) تحت نظارت قرار داده شد. برادرانش عبدالرحمن رئیس شرکت سپین غر و عبدالله قوماندان خاندوی فاریاب، مشهور به عبدالله ترافیک، با متهمین دیگر قبلاً محبوس گردیده بودند.

سه روز قبل از عید، در سرویس ساعت هشت اخبار مهم، خبر کودتای عبدالملک و خلیل بکمک یک کشور بیگانه از رادیو پخش گردید. عبدالله ملکیار والی هرات بعوض ملک خان بحیث وزیر مالیه و جنرال عبدالغفار بعوض خلیل مقرر گردیدند.

^۱ - این ریاست بعداً به مصونیت ملی مسمی شد. در رژیم های خلقی و پرچمی به آگسا، کام، خاد و واد تغییر نام یافت.

اسم کودتا در کشور ما یک کلمه تازه بود، توطئه با مهارت خاصی ترتیب گردیده بود. مردم آنرا باور می کردند. در کوچه و بازار این شایعه و آوازه پخش گردید که، گویا همسایه شمالی (روسیه) در خنثی سازی کودتا به حکومت افغانستان کمک کرده است. از آن پس، پادشاه در مسجد جامع عیدگاه نماز نخواند، بلکه نماز های عید را همواره در مسجد ارگ اداء می کرد.

دو هفته بعد، ملک خان در تاریکی شب و تحت تدابیر شدید امنیتی، توسط میر عبدالعزیز والی کابل به بهانه ملاقات با داود، بگونه ای از منزل بیرون کشیده شد که قرآن مجید را سخت بر سینه خود گرفته بود. وی در منزل سردار احمد شاه خان وزیر سابق دربار که در نزدیکی صدارت واقع بود، و از قبل به همین منظور در نظر گرفته شده بود، محبوس گردانیده شد. درین ساختمان، یک اطاق و پسخانه عقبی آن برای وزیر اختصاص یافت. از آنجائیکه ظفر هنوز نوجوان بود، دور از سائر محبوسین، در یک اطاق مجزا قرار داده شده بود.

اسم و جرم محبوسین بر کسی آشکار نبود. پهره داران موظف صرفاً از روی شماره اتاق آنان را می شناختند. برای هر یک از آنان، علاوه بر پهره داران عادی، مامورین خاص امنیتی نیز موظف شده بودند. پهره داران حق نداشتند با محبوسین صحبت کنند.

تحقیقات بشدت و بی رحمی دوام داشت. لت و کوب جریان داشت. در ارتباط با آنان، بعضی از اعضاء خانواده هایشان نیز تحت نظارت قرار داشتند.

دارائی بعضی ها ضبط گردید. شرکت سپین غر که رئیس آن عبدالرحمن برادر عبدالملک خان بود، منحل گردانیده شده و سرمایه اش ضبط شد. فرزندان خانواده عبدالرحیم زی از مکاتب اخراج گردیدند. از طرف رژیم، در عقب منزل عبدالملک واقع در شیر شاه مینه (کارته چهار) منزلی به کرایه گرفته شد تا اعضاء خانواده وی را ۲۴ ساعته از نزدیک تحت مراقبت داشته باشند. فشار و مخالفت حکومت به منزل وی نیز سرایت کرد.

..... محترم عین می گویند که ازین افراد، صرفاً عبدالملک تحت شکنجه قرار نگرفت. اما، فحش و دشنامی را که در جریان تحقیق سید عبدالله خان وزیر داخله به او گفته بود، تا آخر عمر بیاد داشت. غذا و البسه اش مناسب بود. اکثراً لباس دوخته شده از تکه شری را بتن میداشت. ریش گذاشته و دستاری سفید می بست. وقتش را به تلاوت کلام الله شریف می گذرانید و ۱۷ - ۱۸ پاره آنرا حفظ کرده بود. حوصله اش کافی بود. شکایت نمی کرد. حاضر نمی شد با هر مامور موظف صحبت کند. مصروف نوشتن یادداشت می بود. به صحت مندی اش توجه داشت. نماز را سر وقت اداء می کرد. جمناستیک اجرا می کرد. اعصابش آرام بود و قد رسایش را تا آخر حفظ کرد.

در دوره اخیر سلطنت و دیموکراسی، نوشته هایش در جریده افغان ملت به چاپ می رسید. به روی دیواری از محبس برای خود تقویمی ترسیم کرده بود که آنرا مورد استفاده قرار میداد. روز ها، ماهها و سالها را به یاد داشت. عبدالملک خود را دوست وفادار داود خان میخواند. از وی بدگویی نمیکرد. رقابت های داخلی را عامل تبخیس خویش میخواند. لذا، به اصطلاح توبه نامه را امضاء نکرد. از نظر وی، نوشتن توبه نامه خود سند ارتکاب جرم به شمار میرفت.

تحقیقات وقت زیادی را در بر گرفت. ولی سند و مدرکی به دست نیامد. پس از استعفاء داود، متهمین این فقره آزاد شدند. اما، وزیر عبدالملک به بخش قلعه جدید محبس بریکوت منتقل گردید. مقدار تسهیلات در اختیارش قرار داده شد و از آزادی نسبی برخوردار گردید.

به اشاره پادشاه، به منظور تسکین آلام و جبران مصائب وارده، بعضی از افراد این فقره دوباره به کار گمارده شدند. خلیل به

حیث رئیس مرستون و تورن عبدالرحیم چینزایی مدیر قبلی قلم مخصوص وزارت مالیه، که ملک خان وی را با خود از اردو آورده بود، به حیث رئیس کارخانه جنگلک مقرر شد. برای ظفر فرصت تحصیل فراهم گردید. از پوهنخی حقوق پوهنتون کابل فارغ گردیده و در ستره محکمه مقرر گردید. وی در دوره کمونیستان به شهادت رسید.

عبدالله (عبدالله ترافیک) در دوران ریاست جمهوی داود به حیث رئیس تفتیش مالیه مقرر گردید. اطاق کارش را مزین به تصاویر داود گردانیده، در وفاداری نسبت به او افراط می کرد. عوض علی کلاهدوز و حاجی عادل شاه نیز از حبس رها گردیدند، که اخیر الذکر سرمایه مصادره گردیده خود را دوباره به دست آورد.

اما عبدالملک حتی در دوره کمونیستان نیز محبوس باقی ماند. کارمل در هنگام عفو عمومی نیز اراده رهائی ویرا نداشت. تا اینکه پس از ۲۳ سال حبس، در اثر مداخله سازمان جهانی حقوق بشر یعنی عفو بین الملل از بند رها گردید. عبدالملک تا زمان مرگ نیز درد وطن را با خود همراه داشت. وی دست به تلاشهایی زد که هدف از آن نجات وطن از چنگال متجاوزین روس بود.

درین توطئه طرح شده توسط ک. ج. ب. هیچگونه سند دال بر اثبات جرم به دست حکومت نیفتاد، و علی الرغم اعمال مهارت زیاد، نقاط ضعف زیادی در آن وجود داشت. به نقش صاحب منصبان پایین رتبه یا سائر صاحب منصبان هیچگونه اشاره ای صورت نگرفته بود. در حالیکه، کودتاهای بیست و ششم سرطان و هفتم ثور نشان دادند که خرد ضابطان یا صاحب منصبان پایین رتبه، دارای نقش زیادی در آنها بوده اند. زیرا، در رأس قطعات قرار داشتند.

توطئه روسی موفق گردید، داود همکار خوبی را از دست داد. مصاب به بی اعتمادی گردیده و مصروف خود گردید. از جانب امریکائیان مشوش گردید. در حالیکه، در آنزمان اکثر کودتاها دارای تمایلات چپی بوده و مورد حمایت روسها قرار داشتند؛ مثلاً در مصر، عراق، سوریه و یمن.

کسی که (سید کریم) درین توطئه نقش مستقیم داشت و اولین گذارش را داد، بعداً از اردو طرد گردیده و در محبس بریکوت دیده میشد. محبوسین جرم وی را سیاسی، یعنی جاسوس می خواندند.

پایان بخش دهم

ادامه دارد

یار زنده، صحبت باقی...

در بخش یازدهم، افغانستان در پنج قرن اخیر، نویسنده: میر محمد صدیق فرهنگ